

مسئله پرداخت مواجب موروثی در عصر قاجار (از استقرار مشروطیت تا پایان قاجار)

شهرام یوسفی فر*
امین محمدی**

چکیده

پرداخت مواجب موروثی یکی از مسائل مهم ایران عصر قاجار بود، چراکه سهم زیادی از بودجه حکومت صرف پرداخت مواجبی می شد که بخشی از آن به صورت موروثی به مواجب‌بگیران رسیده بود و آنها در ازای دریافت مواجب، هیچ خدمتی به دولت نمی کردند. پرداخت این نوع مواجب که در منابع عصر قاجار از آن با عنوان مواجب موروثی، مواجب متوفی، مستمری یا وظیفه یاد شده است، از آغاز حکومت قاجاران تا پایان سلطنت مظفردالدین شاه، بر اساس دستورالعمل ساده‌ای انجام می گرفت که نحوه اجرای آن با توجه به نظر و سیاست شاه یا صدراعظم دستخوش تغییر می شد. پس از

* استاد گروه تاریخ، دانشگاه تهران، ایران، shyouseffar@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

amin.mohammadi64@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۱



استقرار مشروطیت، مجلس و دولت انجام اصلاحات در سازوکار پرداخت
موجب موروثی را ضروری دانستند و در سال ۱۳۲۶ ق قانون ۱۰ ماده‌ای را
برای آن تدوین و تصویب کردند. مسئله اصلی این پژوهش بررسی ضرورت
انجام اصلاحات در سازوکار پرداخت موجب موروثی و عملکرد دولت و
مجلس در این حوزه پس از استقرار نظام مشروطه است. یافته‌های این پژوهش
نشان می‌دهد که رعایت نکردن دستورالعمل پرداخت موجب موروثی و
تخلفات متعدد در سازوکار سنتی آن از یک سو و هزینه‌هایی که مادام‌العمر بودن
این موجب به بار می‌آورد از سوی دیگر باعث شد پس از پیروزی مشروطه،
حکومت اصلاحات اساسی در این سازوکار مالی انجام دهد. با وجود اینکه
اصلاحات مزبور در راستای جلوگیری از اتلاف منابع مالی دولت انجام
گرفت، ورشکستگی مالیه باعث بروز مشکلات فراوان برای دولت و
موجب‌بگیران شد و اثرات مثبت این اصلاحات را کمرنگ کرد.

کلید واژه‌ها: موجب موروثی، عصر قاجار، قانون وظایف، مشروطیت، اسناد

تاریخی

۱. مقدمه

در دوره قاجاریه، موجب موروثی بهواجبی گفته می‌شد که به ورثه موجب‌بگیران متوفی
داده می‌شد؛ به این معنی که پس از مرگ موجب‌بگیر، بخشی از موجب او میان ورثه تقسیم
می‌شد. در مقابل موجب موروثی، موجب شخصی قرار داشت که بابت موقعیت، شغل و
منصب به اشخاص مختلف داده می‌شد. پس از مشروطیت، مجلس شورای ملی از اصطلاح
«وظیفه» برای موجب پرداختی به ورثه موجب‌بگیران استفاده کرد و قانونی که برای این نوع
موجب به تصویب رسید عنوان «قانون وظایف» داشت (قانون وظایف، ۱۳۲۶ ق، ص ۱).
«وظیفه» در دوران پیش از قاجاریه به طور عام در معنای موجب به کار می‌رفت و در معنای
اخص اصطلاحی بود که به پرداخت موجب ماهیانه یا سالیانه به سادات و روحانیون اطلاق
می‌شد (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه وظیفه؛ میرزاسمیعا، ۱۳۶۸، ص ۱۶۰). با این حال بررسی

اسناد تاریخی نشان می‌دهد در دوره قاجاریه هیچ عنوان ثابتی برای این نوع پرداخت به کار نرفته است و همزمان از عناوینی چون وظیفه، مستمری، مقرری، موجب موروثی و موجب متوفی برای پرداخت موجب به ورثه موجب‌بگیران استفاده شده است. از آنجایی که هر کدام از این اصطلاحات دارای تعاریف مختلفی هستند، در این پژوهش از عنوان «موجب موروثی» برای این نوع موجب استفاده شده است.

پژوهش در زمینه پرداخت موجب موروثی از آن جهت اهمیت دارد که براساس منابع تاریخی بخش زیادی از بودجه سالیانه حکومت به پرداخت موجب اختصاص داشت که دریافت‌کنندگان بابت آن هیچ کاری انجام نمی‌دادند. بخش زیادی از بودجه دولت صرف پرداخت موجب می‌شد و بسیاری از موجب‌بگیران موجبی را می‌گرفتند که به صورت موروثی به آنها رسیده بود. عبدالله مستوفی که خود و خاندانش در دوران حکومت قاجار در جرگه مستوفیان بلندپایه بودند بر این باور است که پیش از مشروطه، حکومت قاجاریه حدود سه میلیون تومان یعنی برابر با بیش از یک‌چهارم کل درآمد خودش را صرف پرداخت موجب می‌کرد (مستوفی، ج ۲، ص ۳۵۱). بنا بر گزارش نمایندگان مجلس شورای ملی، تنها در دوره سلطنت مظفرالدین شاه حدود چهار میلیون تومان موجب صادر شده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۳۲۸، جلسه ۸۹). مورگان شوستر که پس از مشروطه برای اصلاح مالیه ایران به عنوان خزانه‌دار کل منصوب شده بود، پرداخت موجب را «نمونه چشمگیری از هرج و مرج مالی عجیب ایران» دانسته است و براساس اسنادی که بررسی کرده، مبلغ سالیانه آن را سه میلیون تومان می‌داند که به ۱۰۰ هزار نفر در سراسر کشور پرداخت می‌شده است (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴). جدای از این، پرداخت موجب موروثی با معیشت شمار زیادی از مردم در ارتباط بود و روی کنش‌های سیاسی و اجتماعی آنها تاثیر داشت. با توجه به آنچه گفته شد، مسئله اصلی این پژوهش بررسی ضرورت انجام اصلاحات در سازوکار پرداخت موجب موروثی و نتیجه حاصل از آن پس از استقرار نظام مشروطیت است. با وجود این اهمیت، تاکنون هیچ پژوهش تاریخی به موضوع پرداخت موجب موروثی نپرداخته است و اثر حاضر در این حوزه اولین به شمار می‌آید. در موضوع پرداخت موجب

در دوره قاجار نیز تنها اثری که به صورت مستقل به آن پرداخته مقاله «چالش و موانع مواجب قشون در ایالت کرمانشاهان دوره قاجار» مقاله مشترک محمدجواد مرادی‌نیا و مطلب مطلبی است. در این مقاله نویسندگان موانع مختلف عدم پرداخت مواجب افواج و سواره‌های کرمانشاه و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار داده‌اند (مرادی‌نیا و مطلبی، ۱۳۹۷، صص ۱۶۵-۱۸۰).

بر این اساس، مقاله پیش رو می‌کوشد با تحلیل محتوای اسناد وزارت اقتصاد و دارایی، اسناد بیوتات سلطنتی و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ضمن ترسیم سازوکار پرداخت مواجب موروثی در دوره قاجاریه و بررسی چرایی انجام اصلاحات در آن، شرحی از اصلاحات انجام‌شده ارائه دهد و در نهایت عملکرد دولت و مجلس در قبال این سازوکار مالی را ارزیابی کند.

۲. پرداخت مواجب موروثی پیش از مشروطه

پیش از مشروطه، پرداخت مواجب به ورثه مواجب‌بگیران متوفی براساس یک دستورالعمل ساده انجام می‌گرفت؛ به این صورت که هرگاه مواجب‌بگیری وفات می‌یافت، یک‌سوم (در منابع ثلث) از مواجب او توسط دولت ضبط می‌شد و دوسوم دیگر به صورت مادام‌العمر به عنوان مواجب جدید برای ورثه او برقرار می‌شد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۷)؛ بررسی فرمانهایی این دوره نشان می‌دهد، ورثه اولاد، عیال، و تمامی اقوام درجه یک متوفی را شامل می‌شد. برای مثال، در دوره سلطنت مظفرالدین شاه، حسینقلی میرزا پسر سلطان ابراهیم میرزا درگذشت و مواجب او به موجب فرمانی میان یک دختر شیرخوار و دو نوه او تقسیم شد. اصل مواجب ۱۳۸ تومان بود که دیوان حدود ۴۶ تومان آن را به عنوان ثلث متوفی ضبط کرد و حدود ۵۷ تومان برای دختر و حدود ۳۴ تومان طی فرمان جدیدی برای نوه‌ها منظور شد (ساکما، ۲۴۰/۱۱۱۲۸). بر اساس این دستورالعمل، در صورتی که مواجب‌بگیر بدون وارث فوت می‌کرد، تمام مواجب او توسط دولت ضبط می‌شد تا از محل آن به هر کس که می‌خواست مواجب بدهد (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۳۳).

در این زمان، منبع مالی پرداخت مواجب جدید یا افزایش مواجب اشخاص، ثلث ضبط‌شده مواجب متوفی بود که به آن محل بی‌ضرر می‌گفتند (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۳۳)؛ به این معنی که اگر قرار بود برای شخصی مواجبی برقرار شود یا بر مواجب شخصی افزوده شود، باید صبر می‌کردند تا مواجب‌گیری فوت کند و از محل ضبط ثلث مواجب آن را برقرار کنند. در این بین، مستوفیان همه ساله فهرستی از درآمدهای حاصل از ضبط ثلث مواجب دیوانی افراد متوفی تهیه می‌کردند و مواجب جدید بر اساس آنها صادر می‌شد (ساکما، ۲۳۲/۱۲۶۱؛ ساکما، ۲۹۵/۷۳۴۲).

مواجب جدید یا افزایش مواجب اغلب طی عریضه‌ای از شاه درخواست می‌شد (ساکما، ۲۹۵/۷۳۹۰). شاه دستخطی خطاب به صدراعظم صادر می‌کرد که فلان مبلغ را به عنوان مواجب برای فلان شخص برقرار کنند. این دستخط معمولاً در صدر عریضه‌ای که صاحب مواجب به شاه نوشته می‌شد، درج می‌شد. صدراعظم در حاشیه همان عریضه و پایین دستخط شاه خطاباً به مستوفی‌الممالک برای اجرای دستور شاه می‌نوشت. مستوفی‌الممالک نیز به یکی از مستوفیان دستور می‌داد از محل ثلث ضبط‌شده مواجب متوفی، مواجب جدید یا اضافه مواجب آن شخص را برقرار کنند. در ادامه، مستوفی فرمانی می‌نوشت و در حاشیه سمت راست آن میزان مواجب شخص را «با قید اینکه از چه محلی است و به موجب دستخط شاه و امر مقامات عالی» برقرار شده است، درج می‌کرد. سپس مستوفیان پای سند با بررسی دستخط شاه، حکم صدراعظم و مستوفی‌الممالک صحت فرمان را تأیید و آن را مهر می‌کردند (سعیدی، ۱۳۸۸، ص ۵۵؛ مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۲۴؛ ساکما، ۲۳۲/۲۲۵۷). فرمان‌های جدید در دفاتری به نام سررشته کل و دفاتر مستوفی محل و سایر مستوفیان ضبط ثبت می‌شد تا در موقع تهیه بودجه، اگر برقراری مواجب ورثه مطابق فرمان صورت گرفته بود، در چرخه پرداخت قرار گیرد (مصدق، ۱۳۰۴، ص ۲۱).

با وجود آنکه دستورالعمل پرداخت مواجب موروثی پیش از دوران مشروطیت بسیار ساده بود، اما قواعد آن هیچ‌گاه به صورت کامل رعایت نمی‌شد. قاعده ضبط‌شدن ثلث مواجب، تحت تاثیر سیاست شاه، صدراعظم یا مستوفی‌الممالک (بعدها وزیر مالیه) دستخوش تغییر

می‌شد. بر اساس منابع، در دوران صدارت اشخاصی چون میرزاحمدخان سپهسالار، میرزا حسن خان مشیرالدوله، میرزا یوسف‌خان آشتیانی و امین‌السلطان در رعایت این قاعده چندان سختگیری نمی‌شد؛ به این معنی که یا ثلث موجب ضبط می‌شد یا تمام آن به اولاد و بازماندگان متوفی منتقل می‌شد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۷؛ ساکما، ۲۴۰/۰۴۸۶۷). به صورت اخص، در دوره صدارت امین‌السلطان، ضبط ثلث موجب متوفی به صورت غیررسمی ملغی شد. او برای کسب رضایت مردم این قاعده را کنار گذاشت و دیناری از موجب متوفی کسر نکرد؛ به گونه‌ای که «اگر زنی در ولایت خراسان یا فارس می‌مرد و جزئی یا کلی مرسوم داشت و اولادی هم از او نبود، آن مرسوم را در حق اقوام و بستگان او بدون کسر ثلث برقرار می‌ساختند» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۷). این وضعیت در ادامه برای دولت زیانبار بود چرا که به زودی تراز دخل و خرج کشور از دست می‌رفت و خرج حکومت بیشتر از دخلش شد. با روی کار آمدن میرزا فرخ‌خان امین‌الدوله، ضبط ثلث موجب متوفی مجدداً برقرار شد و صدراعظم جدید تاکید بسیاری بر رعایت آن داشت (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۸). بنا بر یک روایت در زمان صدارت او، زمانی که موجب‌بگیری فوت می‌کرد و واسطه ورثه برای برقراری موجب به دیوان می‌رفت، در جواب او می‌گفت «موجب این مرحوم باید به کلی ضبط دیوان باشد. وارث او اگر لایق و قابل و خدمتگزار دیوان است، از اصل مالیات دیوان به او موجب داده می‌شود و اگر قابل نیست، استحقاق موجب ندارد» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۹). با وجود این سختگیری‌ها، حتی در زمان صدارت امین‌الدوله نیز در مواقعی این قاعده نادیده گرفته می‌شد. بنابر گزارشی از افضل‌الملک که خود شخصاً فرمان موجب ورثه یکی از موجب‌بگیران را به تأیید وزارت مالیه رسانده بود، در حاشیه فرمان یادداشتی از امین‌الدوله با این مضمون درج شده بود: «این فرمان، بدون کسر ثلث، در حق فرزند مرحوم صدرالذاکرین باید برقرار باشد» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۹).

نزدیکی به هرم قدرت از عواملی بود که باعث می‌شد ضبط ثلث موجب متوفی نادیده گرفته شود؛ برای مثال، پس از مرگ شاهزاده معزالدوله در سال ۱۲۹۹ ق، با وجود اینکه او میزان قابل توجه هشت هزار تومان مقرری، دو هزار تومان انعام استمراری و ۱۲۷ خروار

گندم بارکرده خانواری در سال داشت، ورثه‌اش با ارسال عریضه‌ای برای شاه از او درخواست کردند موجب پدرشان را تمام و کمال دریافت کنند. پس از چند روز طی دستخطی به آنها اعلام شد که به پاس خدمات معزالدوله تمامی موجب بدون هیچ کسری به آنها منتقل خواهد شد (افشار، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۴۶۳-۴۶۴). در نمونه‌ای دیگر، پس از مرگ میرزا محمود وزیر، یکی از مستوفیان بلندپایه حکومت قاجار در زمان ناصرالدین شاه، موجب او بدون ضبط ثلث در حق اولادش برقرار شد (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۰۶). بررسی فرمان‌های ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه نشان می‌دهند که پیش از مشروطه، موجب متوفی تنها به همسر و اولاد آنها تعلق نمی‌گرفت و می‌توانست به اقوامی چون عموزاده‌ها و خواهرزاده‌ها اختصاص یابد (ساکما، ۲۹۶/۸۳۲۰؛ ساکما، ۲۳۲/۲۲۵۷). در بیشتر مواقعی که موجب متوفی بدون وارث ضبط می‌شد، نزدیکان متوفی عریضه‌ای به شاه می‌نوشتند و درخواست می‌کردند که موجب متوفی برای آنها برقرار شود (ساکما، ۲۹۵/۸۱۴۶). به طور معمول، در صورتی که درخواست‌کننده موجب متوفی، خود دارای موجب شخصی بود، این موجب به او تعلق نمی‌گرفت (ساکما، ۲۹۵/۸۱۴۶) جز در مواقعی که شخصی صاحب نفوذ از درخواست‌کننده حمایت می‌کرد؛ برای مثال، پس از وفات حسنخان پسر سلیمانخان قاجار، سی تومان از موجب او را نجفقلی خان پسر نظام‌الدوله اصفهانی با حمایت عین‌الدوله در عوض اینکه جنازه شاهزاده عضدالدوله را به کربلا ببرد برای خود تصاحب کرد (ساکما، ۲۴۰/۳۱۹۳۸).

جدای از ضبط ثلث موجب متوفی، دولت بابت صدور هر فرمانی تومانی هفت قران (هفت هزار دینار) دریافت می‌کرد (افشار، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۶۳). صدور فرمان‌های جدید در حق ورثه متوفی برای مستوفیان کسب درآمد خوبی شده بود چون در صورت برقراری و ضبط موجب، بخشی از آن به عنوان انعام و حق‌الععمل به مستوفی داده می‌شد (هدایت، ۱۳۸۵، ص ۸۶). مستوفی هر محل باید موجب متوفی را که در کتابچه او به خرج آمده بود، در حاشیه فرمان تصدیق می‌کرد و در ازای این کار معادل یک‌چهارم موابجی را که به وارث متوفی و یا دیگران داده می‌شد، به عنوان حق‌الزحمه آنها فقط برای یک مرتبه طلب می‌کرد (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۳۳). این مبلغ با عنوان رسوم دیوانی به میزان تومانی ۱۲۰۰ دینار از

موجب ورثه کسر می‌شد (ساکما، ۲۹۵/۷۴۲۰) و در مواردی هم که ورثه دارای نفوذ بود فرمانش بدون رسوم صادر می‌شد (ساکما، ۲۳۲/۱۹۵۲). در سال ۱۳۲۳ ق، مظفرالدین شاه طی فرمانی خطاب به امین‌السلطان، موجب متوفی کمتر از سی تومان را از کسر ثلث و اخذ هزینه صدور فرمان معاف کرد: «جناب اشرف اتابیک اعظم، اگرچه در برقراری موجب متوفیات، از سابق کسر ثلث و تومانی هزار معمول بوده و بلا استثناء این حکم را تاکنون رعایت می‌فرمودیم، لیکن از تاریخ صدور این دستخط محض دعاگویی عامه مقرر می‌داریم از سی تومان کمتر در کلیه صیغ مرسومات کسر ثلث و تقدیم تومانی هفت هزار معاف و موقوف باشد. همین دستخط ما را به وزارت مالیه بفرستید که مدلول آن را مجری دارند. شهر شوال ثیلان‌نیل ۱۳۲۳» (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۱۰).

۳. پرداخت موجب موروثی پس از مشروطه

رعایت نشدن دستورالعمل پرداخت موجب موروثی مانند کسر نکردن ثلث موجب و برقراری آن برای افرادی که فاقد شرایط بودند و از همه مهم‌تر نقایصی چون مادام‌العمر بودن آن که هزینه‌های بسیاری برای خزانه به دنبال داشت، باعث شد پس از مشروطه، دولت و مجلس به فکر اصلاح این سازوکار مالی بیفتند. از سوی دیگر، کشف تخلفات عدیده در روند صدور و وصول موجب موروثی لزوم اصلاحات اساسی و نظارت بر آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. پیش‌تر اشاره شد که در دوره قاجاریه پس از وفات موجب‌بگیر، یک‌سوم موجب او توسط دولت ضبط می‌شد و در صورت وجود وارث، دوسوم دیگر به وارث انتقال می‌یافت. در موارد بسیاری، خانواده‌ها پس از فوت موجب‌بگیر، بدون اطلاع دولت تا سال‌ها موجب او را به صورت کامل وصول می‌کردند. بنابر یکی از گزارش‌های دیوان محاسبات که پس از مشروطه ارائه شده است، موجب‌های بسیاری کشف شده بود که صاحبان آنها بین چهار تا پانزده سال پیش فوت کرده بودند در حالی که مواجیشان هر سال پرداخت می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۰۵۷۸۶۷)؛ برای مثال، دیوان محاسبات کشف کرد که با وجود گذشت نه سال از مرگ شخصی به نام سکینه خانم، موجب وی همچنان وصول می‌شده است (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۱۶).

در موارد دیگر، مواجب اشخاص متوفی برای کسانی برقرار می‌شد که هیچ‌گونه نسبتی با مواجب‌بگیر نداشتند؛ برای مثال، پس از مرگ حبیب‌خان قاجار، از هشتاد تومان مواجب او، چهل تومان ضبط و بقیه آن در حق ربابه نامی برقرار شده بود که نه قجر بود و نه با قاجاریه بستگی داشت (ساکما، ۱۰۸۱۷/۲۴۰). در بررسی‌های دیوان محاسبات مشخص شد شمار بسیاری از وراثت، خود مواجب‌بگیر بودند و باید مواجبی که به آن‌ها ارث رسیده بود ضبط می‌شد (ساکما، ۱۰۸۱۶/۲۴۰). در این شرایط، علاوه بر نمایندگان مجلس، وزیر مالیه و وزیر جنگ بیشترین اصرار را در تصویب سریع قانونی برای انتظام سازوکار پرداخت مواجب موروثی داشتند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، جلسه ۲۳۱). از سویی دیگر، برخی تخلفات نه توسط مردم بلکه توسط مستوفیان انجام می‌گرفت. در مواردی نیز گزارش شده است که برخی محاسبین ولایات با قلمدادکردن عده‌ای در فهرست متوفیات، مواجب آن‌ها را با اسامی جعلی در دفاتر ثبت و برای خود وصول می‌کردند (خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۳۰۱).

۱.۳. تصویب قانون وظایف

اولین گام در اصلاح سازوکار پرداخت مواجب موروثی، تدوین یک قانون جامع و تصویب آن در مجلس شورای ملی بود. این قانون که به «قانون وظایف یا متوفیات» مشهور است، پس از چند ماه مذاکرات نمایندگان مجلس و وزارت مالیه، در نوزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ق که مقارن دومین سال سلطنت محمدعلی‌شاه بود، در زمان ریاست میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله، با اکثریت ۷۲ رأی مشتمل بر ده ماده تصویب شد و در ادامه به صحه شاه رسید (قانون وظایف، ۱۳۲۶ ق، ص ۳؛ ساکما، ۲۳۲/۱۵۵۹).

براساس ماده اول این قانون، برای انتقال قسمتی از مواجب دیوانی شخص متوفی به ورثه، مواجب او نباید بیشتر از پانصد تومان نقد و ده خروار جنس می‌بود و مبلغ بیشتر از این میزان، باید به تصویب مخصوص وزیر مسئول و مجلس شورای ملی می‌رسید (قانون وظایف، ۱۳۲۶ ق، ص ۱). در خصوص ماده اول، برخی نمایندگان برای کم‌کردن بار مالی این قانون،

افزودن این شرط را پیشنهاد دادند که: «موجب به ورثه داده نمی‌شود، به شرط اینکه از پنج سال قبل برقرار شده باشد» که پس از رأی‌گیری به تصویب اکثریت نرسید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، جلسه ۲۴۶). ارجاع مبالغ بیشتر از پانصد تومان و ده خروار جنس به مجلس شورای ملی در سال‌های بعد در موارد بسیاری مورد استناد وزارت مالیه قرار گرفت. پس از مشروطه، به دلایلی چون جنگ‌های داخلی میان محمدعلی‌شاه با مشروطه‌خواهان و جنگ اول جهانی، مجلس شورای ملی تعطیل شد. زمانی که مجلس برای تصویب موجب متوفی دایر نبود، با پیشنهاد وزارتخانه‌ها، هیئت وزیران تصویب‌نامه‌ای صادر می‌کرد تا موجب اشخاص را برقرار و پرداخت کنند (ساکما، ۱۰۷۶۶۴/۲۴۰۱)؛ برای مثال، در بیست و سوم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق موجب مرحوم نصرالله‌خان تلگرافچی ۱۲۰۰ تومان به خرج کرمان بود. او پانزده ورثه داشت، اما چون میزان مواجیش بیشتر از حد مجاز بود، طبق قانون وظایف باید به تصویب مجلس می‌رسید (ساکما، ۱۰۷۶۷/۲۴۰۱).

ماده دوم، به میزان موجب دریافتی ورثه و مدت دریافت آن اختصاص داشت: به این صورت که «نصف بلاکسر» موجب متوفی تا پانزده سال درباره ورثه او برقرار می‌شد. نصف بلاکسر بنا بر تعریف قانون وظایف «عبارت است از عددی که کسور آن یا کمتر از تومان در نقد و کمتر از من در جنس حذف شده باشد» (قانون وظایف، ۱۳۲۶ ق، ص ۱). درباره تعیین محدوده زمانی برای پرداخت موجب، برخی نمایندگان موافق و مخالف به بحث نشستند که سرانجام تعیین زمان پانزده ساله برای پرداخت موجب به ورثه به تصویب رسید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، جلسه ۲۴۷). تاریخ آغاز صدور موجب جدید و پایان آن پس از پانزده سال به صورت مشخص در فرمان‌ها درج و بر این نکته تأکید می‌شد که موجب مزبور با پایان این مدت، ضبط دیوان خواهد شد (ساکما، ۵۵۲۶۴/۲۴۰؛ ساکما، ۹۲۵۸۸/۲۴۰). از آنجایی که پیش از مشروطه هیچ محدوده زمانی برای پرداخت موجب متوفی مشخص نشده بود، شمار موجب‌بگیران روز به روز افزایش می‌یافت و دولت از نظر مالی بسیار متضرر می‌شد. بر این اساس، می‌توان گفت تعیین محدوده زمانی از مهم‌ترین مواد قانون وظایف بود.

ماده سوم به معرفی ورثه قانونی متوفی اختصاص داشت. در تعریفی که در این ماده ارائه شده است، ورثه قانونی «اولاد و عیال و همچنین پدر و مادری که در کفالت متوفی باشد و همچنین نواده‌ای که پدر و مادرش فوت کرده باشد و در کفالت متوفی باشد» را شامل می‌شد (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۲). محدود شدن دایره ورثه از نظر مالی به سود دولت بود. این در حالی بود که پیش از مشروطه، هر کس بسته به میزان قدرت و نفوذش می‌توانست از موجب متوفی بهره‌مند شود.

ماده چهارم به تقسیم سهم موجب میان ورثه قانونی اختصاص داشت. بر اساس این ماده، پدر و نواده پسر در حکم اولاد پسر و مادر و نواده دختر در حکم اولاد دختر سهم دریافت می‌کردند (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۲). موجب موروثی همسر متوفی برابر با سهم یک دختر بود و اگر متوفی چند همسر داشت، آن یک سهم بین همه آنها به صورت مساوی تقسیم می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۰۲۱۴۸۵). ماده پنجم به تقسیم نصف موجب اشاره دارد و اینکه براساس این قانون، پسر دوبرابر دختر از موجب متوفی ارث می‌برد (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۲؛ ساکما، ۲۴۰/۰۲۱۴۸۵). در این ماده هم برخلاف دستورالعمل قبل که دوسوم موجب متوفی به ورثه می‌رسید، بار مالی کمتری برای دولت داشت. بر اساس ماده ششم، هر یک از ورثه متوفی که شغل دیوانی داشته باشند، سهم موجب متوفی برای آنها تا زمانی که مستخدم هستند، از بابت موابی که در ازای خدمت دولت می‌گیرند محسوب می‌شود (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۲). ماده هفتم به شمول نوع موجب در این قانون می‌پرداخت (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۲). براساس ماده هشتم، محل غایب و متوفی که پیش از مشروطه منبعی برای برقراری موجب جدید بود، به کلی ملغی شد و مطابق قانون جدید همه موجب از آن تاریخ به بعد از محل عایدات دولت پرداخت می‌شد (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۳). ماده نهم به منسوخ شدن پرداخت تومانی هفت قران و سایر مخارج صدور فرمان اختصاص داشت (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۳). بر اساس ماده دهم، قانون وظایف شامل تمام متوفیاتی می‌شد که از چهاردهم ذی‌القعدة ۱۳۲۴ ق به بعد فوت کرده بودند (قانون وظایف، ۱۳۲۶ق، ص ۳).

۲.۳. تعرفه‌های موجب موروثی

یکی از تحولات مهمی که پس از مشروطه در سازوکار پرداخت موجب دیوانی رخ داد، استفاده از تعرفه‌های ارباب حقوق بود. هر یک از موجب‌بگیران ملزم بودند این تعرفه‌ها را پیش از دریافت موجب تکمیل کنند (ساکما، ۲۴۰/۴۵۹۰۱). نام صاحب موجب و اسامی ورثه، نام پدر، سن، اسم طایفه یا خانواده، نام محل تولد، محل اقامت، مبلغ موجب، شغل، نام اداره، نوع موجب (شخصی یا موروثی) و مدرک موجب (فرمان یا حکم) در این تعرفه‌ها درج می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۴۸۹۸۰؛ ساکما، ۲۴۰/۴۹۶۹۸). موجب‌بگیران ملزم بودند برای تکمیل تعرفه موجب دیوانی خود به دفتر محاسبات کل مراجعه کنند و بنا بر اعلان وزارت مالیه، اشخاصی که در تکمیل تعرفه اشتباهی انجام می‌دادند، از موجب یک سال خود محروم می‌شدند (ساکما، ۲۴۰/۴۹۶۹۸).

پس از تصویب قانون وظایف، وزارت مالیه از سال ۱۳۲۶ ق برای ساماندهی به پرداخت موجب متوفی، هر سال تعرفه‌ای چاپ می‌کرد و در اختیار اشخاص قرار می‌داد تا آن را پر کنند و تحویل دهند (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۵۱). مندرجات ورقه تعرفه مشتمل بر سؤالاتی درباره نام متوفی، نسبت ورثه با متوفی، محل سکونت، نام پدر ورثه، معرفی همه وراث، معرفی همسر متوفی، سال وفات، میزان موجب متوفی و محل پرداخت آن، میزان موجب هر یک از ورثه و محل استخدام آن‌ها بود (تصویر شماره ۱؛ ساکما، ۲۴۰/۹۷۴۸۳؛ ساکما، ۲۴۰/۹۷۴۷۵). همه وراث باید اطلاعات دقیق خود را در این ورقه درج می‌کردند، در غیر این صورت دولت می‌توانست موجب آن‌ها را ضبط کند. ورثه متنی را که تعهد می‌کردند، مسئولیت عدم صحت مندرجات با خود آن‌ها است و آن‌ها تنها وراث قانونی متوفی هستند، به تأیید خود می‌رساندند (ساکما، ۲۴۰/۹۷۴۷۸؛ ساکما، ۲۴۰/۴۴۹۹۵). اداره مأمور دریافت این تعرفه‌ها مکلف بود در هویت ورثه تحقیق و بعد از اطمینان از هویت آن‌ها تعرفه را با این متن تصدیق کند (تصویر شماره ۲؛ ساکما، ۲۴۰/۴۴۹۹۵).

صاحب موجب موروثی، تعرفه تأیید شده را به یکی از اداره‌های هفتگانه وزارت مالیه می‌برد که این موجب در یکی از ولایات قلمرو آن اداره به خرج آمده بود و قبض موجب خود را با تصدیق مستوفی مربوطه می‌گرفت و به خزانه یا ولایات می‌فرستاد (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۵۱). در ولایات، انجمن‌های ولایتی (در صورت نبود آن، تأیید سه نفر از معاریف) و در مرکز، کمیسرهای محل مسئول تأیید ورثه قانونی شخص متوفی بودند (ساکما، ۲۴۰/۱۰۱۳۹۹؛ ساکما، ۲۴۰/۵۱۵۹). در صورتی که صاحب موجب نمی‌توانست در دفتر مالیه حاضر شود و برگه تعرفه موجب را بنویسد، شخصی را به وکالت از خود برای ثبت مشخصات می‌فرستاد و در ضمن وکالت‌نامه‌ای تعهد می‌کرد که مسئول صحت تمام مندرجات تعرفه خواهد بود (ساکما، ۲۴۰/۴۵۹۰۱).

اشخاصی که اطلاعات کاملی از آن‌ها در وزارت مالیه نبود، موجبشان توسط مجلس قطع و در دفتری به نام مقطوعات ثبت می‌شد؛ برای مثال، ورثه یکی از موجب‌بگیران ضمن عریضه‌ای شکایت کرد که موجب‌اش مقطوع شده است. وزارت مالیه اعلام کرد که این شخص برای برقراری مجدد موجب، باید اطلاعات کامل خود را به این وزارتخانه تحویل دهد (ساکما، ۲۴۰/۰۲۱۴۸۵). در ادامه این روند، ورثه باید در برگه‌ای هویت خود را به تصدیق انجمن ولایتی محل سکونت خود می‌رساند و در آن نام متوفی، مبلغ موجب و محل سکونت ورثه تأیید می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۴۵۹۰۱). پس از تأیید اسامی ورثه و تعیین موجب آن‌ها توسط مجلس شورای ملی، نوبت به مرحله نگارش فرمان برقراری موجب می‌رسید (ساکما، ۲۴۰/۰۲۱۴۸۵). در اولین مرحله، اداره صدور فرامین، متن فرمان را بر اساس قانون وظایف تنظیم می‌کرد (ساکما، ۲۴۰/۴۵۴۵۹). در ادامه، اداره وظایف در حاشیه فرمان اولیه، میزان موجب، تاریخ به‌خرج آمدن، محل پرداخت، اسامی ورثه و میزان موجب هر کدام را درج می‌کرد (ساکما، ۲۴۰/۴۵۴۵۹). فرمان نهایی با خط خوش و به مهر و توشیح شاه، صدراعظم، وزیر مالیه و سایر مستوفیان و اداره مخصوص مالیه می‌رسید (ساکما، ۲۴۰/۲۳۰۷۰؛ ساکما، ۲۴۰/۲۱۸۲۱).

از آنجایی که هر فرمان باید به تأیید چند اداره از جمله خزانه‌داری کل می‌رسید، روند ثبت فرامین متوفی طولانی بود. این وضعیت باعث می‌شد برات‌های موجب دیر صادر شوند و محلی (منبعی) برای پرداخت باقی نماند (ساکما، ۲۴۰/۴۱۳۸۰). در نتیجه، وزارت مالیه مکاتبات بسیاری با اداره خزانه‌داری کل انجام می‌داد و از آن‌ها درخواست می‌کرد هر چه زودتر فرامینی را که برای ثبت به آنجا رفته بود، پس دهند تا به ورثه تحویل داده شوند. این روند در مواقعی حدود دو سال به طول می‌انجامید (ساکما، ۲۴۰/۴۱۳۸۰).

۳.۳. شیوه پرداخت موجب موروثی

پس از صدور فرمان جدید و ثبت و تأیید آن توسط خزانه‌داری کل، قبض موجب دیوانی در وجه وراثت نوشته می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۸۸۵۹). این موجب یا از محل خزانه مرکزی پرداخت می‌شد یا به خرج ولایات صورت می‌گرفت (مصدق، ۱۳۰۴، صص ۱۰۹-۱۱۰). موجب موروثی پس از مشروطیت ابتدا سالیانه و در ادامه بر اساس مصوبات هیئت وزیران به صورت ماهیانه و با عنوان شهریه پرداخت می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۲۸۸۴۱؛ ساکما، ۲۴۰/۱۰۷۶۳۷؛ ساکما، ۲۴۰/۰۰۹۶۱۹).

این نوع موجب همانند اقسام دیگر موجب، شکل مشخص و از پیش تعیین شده‌ای نداشت و بسته به اوضاع مالیه و سیاست وزارت مالیه و خزانه‌داری کل دچار تغییر می‌شد؛ برای مثال، در سال ۱۳۳۳ ق در زمان ریاست مسیو مرنارد بر خزانه‌داری کل، موجب‌های دیوانی را به گونه‌ای پرداخت می‌کردند که در صورت فوت یکی از ارباب موجب، ورثه نتواند کل موجب را وصول کند. در صورتی که قبوض موجب را اوایل هر ماه صادر می‌کردند، زمان فوت موجب‌بگیر دولت متضرر می‌شد، چرا که ورثه می‌توانست تمام وجه موجب را وصول کند. در نتیجه موجب دیوانی در چهار قسط سه ماهه پرداخت می‌شد تا اگر کسی در عرض یکی از اقساط سه ماهه فوت کند، موجب مشارالیه از اول سال تا پایان سه ماهه‌ای که فوت کرده به صورت کامل به ورثه پرداخت شود. اقساط بعد از فوت صاحب موجب به نسبتی که قانون وظایف معین کرده بود، طی فرمان جدیدی به ورثه داده می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۵۵۹۴۱).

۴,۳. فرمان نویسی مواجب موروثی

تا پیش از مشروطیت، فرمان‌هایی که برای مواجب ورثه جدید صادر می‌شد، از نظر محتوایی و ظاهری ساختار و الگوی ثابتی داشتند. فرمان با جمله اعلام وفات شخص و بیان حمایت شاه از ورثه او آغاز و سپس مبلغی برای ورثه از مواجبی که شخص متوفی دریافت می‌کرد، مقرر می‌شد (ساکما، ۱۰۷۴۸۵/۲۴۰). میزان پرداختی ورثه با استفاده از خط سیاق و بین سطور فرمان نگارش می‌یافت و در پایان، شاه به مستوفیان دستور می‌داد که پس از ضبط ثلث مواجب متوفی، فرمان جدید را ثبت و ضبط کنند. در انتهای فرمان، تاریخ صدور با ذکر روز، ماه و سال درج می‌شد (ساکما، ۱۰۷۴۷۵/۲۴۰؛ ساکما، ۱۰۷۴۷۷/۲۴۰). مهر شاه در صدر فرمان و توشیح او بین سطر اول و دوم قرار می‌گرفت. در حاشیه سمت راست فرمان، در جهت مخالف نگارش متن اصلی، یادداشت مستوفی با تأیید مواجب دیوانی و اعلام ضبط ثلث آن نوشته می‌شد (ساکما، ۱۰۷۴۷۴/۲۴۰؛ ساکما، ۱۰۷۴۸۱/۲۴۰؛ ساکما، ۱۰۷۴۸۰/۲۴۰). پس از مشروطیت، از نظر ساختار ظاهری تغییر محسوسی در فرمان‌های مواجب ورثه رخ نداد و کماکان متن آن با اعلام وفات مواجب‌بگیر و بیان حمایت شاه از ورثه آغاز می‌شد و محل درج مبلغ مواجب به خط سیاق و در مابین سطور بود (ساکما، ۱۰۷۴۷۸/۲۴۰؛ ساکما، ۱۰۷۴۵۹/۲۴۰). تفاوت اساسی، مربوط به محتوای فرمان‌ها بود که پس از مشروطه بر اساس قانون وظایف نگارش می‌شد. عبارت «نصف بلاکسر» و درج تاریخ آغاز و پایان پانزده ساله پرداخت در سطور میانی و اشاره به اینکه پس از پایان مدت مزبور، مواجب ضبط دیوان خواهد شد، مهم‌ترین تفاوت فرمان‌های پیش و پس از مشروطیت است (ساکما، ۱۰۷۴۲۱/۲۴۰). فرمان‌های مربوط به سال‌هایی که احمدشاه قاجار زیر نظر مقام نیابت سلطنت حکومت می‌کرد، از نظر محل درج مهر شاه، با دیگر فرمان‌های دوره قاجار تفاوت ویژه‌ای دارند. در این فرمان‌ها عبارت «به نام نامی اعلیحضرت قوی شوکت، سلطان احمد شاه خلدالله ملکه و سلطانه»، در صدر فرمان قرار می‌گرفت و مهر نایب‌السلطنه در حاشیه سمت راست و آغاز اولین جمله فرمان درج می‌شد (تصویر شماره یک، ساکما، ۱۰۷۴۱۸/۲۴۰؛ ساکما، ۱۰۷۴۹۸/۲۹۵).

۴. عملکرد دولت و مجلس در مواجهه با چالش‌های پرداخت مواجب موروثی

با وجود تصویب قانون وظایف و اصلاحات اساسی در سازوکار پرداخت مواجب موروثی، دولت و ورثه کماکان با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بودند. پس از مشروطیت، حکومت دچار یک نابسامانی سیاسی فراگیر شد که پیامد دخالت دول خارجی و رقابت گروه‌های مختلف سیاسی در کشور بود. این نابسامانی از یک سو تأثیر غیرقابل انکاری بر فروپاشی اقتصادی کشور داشت و از سوی دیگر، منجر به ورشکستگی مالیه شد. ناتوانی حکومت در وصول مالیات‌ها و اتلاف بخش زیادی از درآمدهای کشور به دلیل جنگ‌های داخلی از عوامل ورشکستگی مالیه بود که باعث تعویق پرداخت‌ها و ناتوانی در پرداخت کامل مواجب‌ها می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۷۷۹۵۳). پیامد دیگر این وضعیت آن بود که اثرات مثبت اصلاحات در سازوکار پرداخت مواجب موروثی را با چالش روبه‌رو می‌کرد. در ادامه، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی حکومت و مردم در رابطه با سازوکار جدید پرداخت مواجب موروثی تشریح و تحلیل می‌شود. شایان ذکر است که غالب این چالش‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم نتیجه نابسامانی سیاسی و ورشکستگی مالیه حکومت قاجار بود.

۱.۴. کسر مواجب

ناتوانی دولت در وصول کامل مالیات‌ها که در واقع اصلی‌ترین منبع پرداخت مواجب دیوانی بود، باعث ورشکستگی مالیه شد و دولت مجبور شد برای جبران این ورشکستگی، مواجب‌ها را کسر کند (ساکما، ۲۴۰/۵۵۹۴۱). در سال ۱۳۲۹ ق وضعیت مالیه به حدی بحرانی بود که توانایی پرداخت برخی مواجب‌های موروثی را نداشت. در این شرایط، اگر مواجب‌بگیران از نظر نزدیکی به قدرت ضعیف بودند یا نمی‌توانستند برای خود حامی پیدا کنند، پرداخت مواجبشان به کلی به تعویق می‌افتاد. در همین سال مورگان شوستر، خزانه‌دار کل در جواب عریضه یکی از مواجب‌بگیران اعلام کرد که به دلیل عسرت مالیه و نبود منبع مالی، امکان پرداخت مواجبی که دو سال به تعویق افتاده بود، ندارد (ساکما، ۲۴۰/۱۳۸۴۹).

میزان کسر مواجب با توجه اوضاع مالیه و درآمدهای مالیاتی متغیر بود. در سال ۱۳۲۷ ق به دستور وزارت مالیه مواجب‌ها از قرار تومانی دو هزار دینار پرداخت می‌شد (ساکما،

۲۴۰/۳۰۶۴۴). در سال ۱۳۲۹ ق وزارت مالیه تصمیم گرفت مواجب‌ها را به میزان تومانی پنج هزار دینار (یعنی نصف) پرداخت کند. البته در بخشی از سال این میزان به تومانی دو هزار دینار کاهش یافت (ساکما، ۲۴۰/۰۱۳۸۴۹). در نهم صفر سال ۱۳۳۰ ق بنا بر حکم هیئت وزیران، کلیه مواجب از قرار نصف پرداخت شد (ساکما، ۲۴۰/۰۱۰۷۶۶۴). این وضعیت در سال ۱۳۳۱ ق نیز به دلیل بهبود اوضاع مالیه ادامه داشت و مواجب‌ها به صورت تومانی پنج هزار دینار پرداخت می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۰۷۵۸۲۷). در بیست و چهارم شوال ۱۳۳۳ ق، پرداخت مواجب موروثی بار دیگر کاهش یافت و بر اساس تصویب هیئت وزراء، تومانی دو قران و ده شاهی (معادل ۲۵۰۰ دینار) پرداخت می‌شد (ساکما، ۳۶۰/۰۱۰۰۴۷).

نزدیکی به قدرت این امتیاز را برای برخی به وجود می‌آورد که می‌توانستند مواجب خود را بدون کسر و به صورت تمام و کمال وصول کنند؛ برای مثال، مقام نیابت سلطنت عظمی در نامه‌ای از وزارت مالیه درخواست کرد که مواجب ورثه آقا سید جمال‌الدین واعظ را تمام و کمال پرداخت کنند. وزارت مالیه نیز بنا بر این درخواست به خزانه‌داری کل دستور داد از این مواجب تومانی دو هزار دینار کسر نشود (ساکما، ۲۴۰/۰۰۲۶۸۱).

۲.۴. تبدیل محل در مواجب موروثی

محل در دوره قاجاریه به منبع مالی گفته می‌شد که هزینه‌های حکومت از آنجا قابل پرداخت بود. مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع مالی که بخش اعظم مواجب‌های دیوانی از آنجا پرداخت می‌شد، مالیات‌هایی بود که حکومت از مالیات‌دهندگان وصول می‌کرد. در این دوره، محل بر اساس سهولت وصول مواجب به دو نوع صعب‌الوصول و سریع‌الوصول تقسیم می‌شد: به محل‌های که وصول مواجب دیوانی از آنجا به سختی انجام می‌گرفت، محل صعب‌الوصول و به محل‌های مثل گمرکات و مالیات اراضی خالصه که پرداخت مواجب به سهولت انجام می‌گرفت، محل سریع‌الوصول گفته می‌شد. در زمان حکومت مظفرالدین شاه، برای پرداخت مقرری شاهزادگان، محل سریع‌الوصول گمرک در نظر گرفته می‌شد (ساکما، ۲۳۲/۱۳۰۷). از آنجایی که شاهزادگان مواجب‌های بسیار درخور توجهی می‌گرفتند، محل وصول آن‌ها باید پردرآمد می‌بود تا پرداخت آن تضمین شده باشد. برای مثال، در سال ۱۳۱۷ ق، مبلغ ۱۸۹۰

تومان از محل عایدات گمرک برای ورثه محمدطاهر میرزا برقرار شد (ساکما، ۱۳۰۷/۲۳۲). در همین تاریخ ورثه ضیاءالسلطنه از محل عایدات گمرک، ۳۰۰۰ تومان به عنوان مقرری دریافت می‌کردند (ساکما، ۱۳۰۷/۲۳۲).

تبدیل محل مواجب دیوانی یکی از مهم‌ترین چالش‌های مالیه عصر قاجار پس از مشروطیت بود. پس از تصویب قانون وظایف، دولت در مواردی که تبدیل محل ضروری برای خزانه نداشت، با آن موافقت می‌کرد و در صورت متضررشدن، به رد آن می‌پرداخت (ساکما، ۱۵۵۹/۲۳۲). بر اساس مقرراتی که در ۱۳۳۵ ق مصوب شد، وزارت مالیه اعلام کرد که مواجب‌های موروثی که در ولایت به خرج می‌آمده‌اند، نمی‌توانند محل خود را تبدیل کنند؛ یعنی مواجب خرج‌آمده هر ولایت تنها در همانجا امکان وصول داشت. بر همین اساس، در این تاریخ وزارت مالیه درخواست ورثه محمودخان قاجار مبنی بر تبدیل محل از فارس به صندوق مرکزی را رد کرد (ساکما، ۵۵۹۷۴/۲۴۰). اینکه مواجب هر شخص از محل سریع‌الوصول یا صعب‌الوصول پرداخت شود، به مقام و نفوذ آن‌ها بستگی داشت. اگر شخصی برای گرفتن مواجبش دچار مشکل می‌شد، با استفاده از نفوذ خود تلاش می‌کرد محل پرداخت را تغییر دهد.

در مواردی نیز وزارت مالیه با توجه به منزلت مواجب‌بگیر از پیشکاران ولایات می‌خواست که محلی سریع‌الوصول برای مواجب آن‌ها در نظر بگیرند (ساکما، ۵۴۷۶۲/۲۴۰) یا اینکه خود وزارتخانه، محلی سریع‌الوصول را پیشنهاد می‌داد: «پیشکار مالیه فارس، مواجب خرج‌آمده تخاقوی‌نیل صدرالشریعه و اخوان، مطابق قبوض مُحشی حواله محل سروسنجانماید که سریعاً به ایشان عاید شود» (ساکما، ۱۸۶۵/۲۴۰). به طور کلی، در پرداخت مواجب‌ها وضعیت علما و روحانیون نسبت به دیگر اقشار جامعه بهتر بود (ساکما، ۲۶۸۱/۰۰۲۴۰). برای روحانیون عالی‌رتبه یا کسانی که دارای حامی ذی‌نفوذی بودند، وزارت مالیه پیشکاران مالیه را ملزم به تعیین محل سریع‌الوصول و پرداخت مواجب آنها می‌کرد. برای مثال، در بیست و پنجم صفر ۱۳۲۸ ق پس از اعتراض به پرداخت نشدن مواجب ورثه آیت‌الله میرزای شیرازی، وزارت مالیه با انجام مکاتبات فراوان پیگیر پرداخت آن شد و دستور داد

محل مناسبی برای پرداخت موجب آنها در نظر گرفته شود (ساکما، ۲۴۰/۴۱۸۶۵). یا در سال ۱۳۳۰ ق زمانی که شهریه مصوب مجلس شورای ملی به ورثه آقا سید ریحان‌الله پرداخت نشد، مکاتبات بسیاری بین وزارت مالیه و خزانه‌داری کل برای پرداخت آن انجام گرفت. در نمونه‌ای دیگر، وزارت مالیه در همان تاریخ در نامه‌ای به مسیو مرنارد، کفیل خزانه‌داری کل دستور داد فوراً حواله موجب ورثه سید عبدالله بهبهانی را پرداخت کنند (ساکما، ۲۴۰/۰۲۶۸۱).

۳،۴. رواج توصیه‌نامه‌نویسی

اصلاح سازوکار پرداخت موجب به ورثه متوفی با وجود نکات مثبتی که داشت، با برخی اشکالات همراه شد. در سال ۱۳۲۷ ق به دنبال بررسی موجب‌های موروثی و استفاده از تعرفه، بسیاری از موجب‌ها مقطوع و تعدیل شد. بر اساس گزارش‌ها این وضعیت به اعتراضات گسترده موجب‌بگیران منجر شد (ساکما، ۲۴۰/۰۲۱۴۸۵) و روند انجام کارها در وزارت مالیه را مختل کرد. بنا بر اعلام وزارت مالیه، چون اغلب دارندگان موجب موروثی زنان و اطفال صغیر بودند که از صبح تا غروب به صورت مستمر در وزارت مالیه اجتماع می‌کردند، مالیه به شدت دچار زحمت و گرفتاری شده بود (ساکما، ۲۴۰/۴۱۳۸۰؛ ساکما، ۲۴۰/۳۰۶۴۴). در اواسط ۱۳۳۰ ق رئیس خزانه مرکزی در نامه‌ای به مسیو مرنارد، کفیل خزانه‌داری کل ضمن اعلام اینکه «اشخاص شهریه‌بگیر فوق‌العاده باعث زحمت شده‌اند» علت صادرنشدن اجازه پرداخت‌ها را جویا شد (ساکما، ۲۴۰/۰۲۶۸۱). از سویی دیگر، گزارش‌ها نشان می‌دهد که به علت تعویق بیش از حد پرداخت موجب، مناطقی چون فارس و خراسان دچار آشوب گسترده بودند (ساکما، ۲۴۰/۰۲۶۸۱).

نگارش توصیه‌نامه‌ها یکی از نتایج آنی تعویق پرداخت موجب‌ها بود. اگر موجب موروثی به تعویق می‌افتاد، شخص صاحب‌نفوذ از طرف موجب‌بگیر به وزارت مالیه نامه می‌فرستاد و درخواست می‌کرد این موجب زودتر پرداخت شود. در نتیجه وزارت مالیه طی نامه‌ای که به سفارش‌نامه یا توصیه‌نامه معروف بود، از خزانه‌داری کل می‌خواست در اسرع وقت آن موجب را پرداخت کند. بین سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰ ق بیشترین مکاتبات مربوط به توصیه

پرداخت مواجب موروثی انجام گرفت (ساکما، ۱۳۸۴۹/۰۲۴۰)، برای مثال، در شعبان ۱۳۳۰ ق، پس از نامه سیدحسن مدرس به وزارت مالیه و درخواست پرداخت مواجب ورثه میرزا یحیی بیدآبادی اصفهانی، این وزارتخانه هم برای خزانه‌داری کل توصیه‌نامه‌ای نوشت و دستور داد مواجب ورثه را فوراً بپردازند (ساکما، ۱۳۸۴۹/۰۲۴۰). یا در نمونه‌ای دیگر، در سال ۱۳۲۹ ق وزارت مالیه به سفارش علیرضا قاجار، نایب‌السلطنه، به پیشکار مالیه اصفهان توصیه‌نامه‌ای مبنی بر پرداخت سریع مواجب ورثه مرحوم میرزا حسین نوشت (ساکما، ۱۳۸۴۹/۰۲۴۰).

ارسال توصیه‌نامه‌های وزارت مالیه به خزانه‌داری کل به مفهوم دریافت قطعی مواجب نبود. از آنجایی که خزانه‌داری کل طبق دستورالعمل، مواجب‌های عقب‌افتاده را از محل بقایای مالیاتی ولایات صادر می‌کرد، باید با ارسال نامه‌ای به یکی از ولایات از پیشکار یا امین مالیه درخواست می‌کرد از محل مالیات باقیمانده آن ولایت مواجب را بپردازند. مالیه آن ولایت یا می‌پذیرفت و مواجب را پرداخت می‌کرد یا اعلام می‌کرد که به عللی چون نبود محل، نمی‌تواند بپردازد؛ برای مثال، زمانی که مسیو مرنارد در بیست و پنجم جمادی‌الثانی ۱۳۳۰ ق به خزانه‌دار اصفهان دستور داد مواجب موروثی اولاد صدرالسلطنه را بپردازند، خزانه‌دار اصفهان اعلام کرد که از آنجایی که از مالیات سال گذشته هیچ وجهی باقی نمانده است، امکان پرداخت این مواجب وجود ندارد (ساکما، ۱۳۸۴۹/۰۲۴۰).

۴.۴. تخلف در تقسیم مواجب موروثی

تصرف مواجب دیوانی توسط یکی از ورثه از معضلات سازوکار پرداخت مواجب متوفی بود که وزارت مالیه را به شدت درگیر می‌کرد؛ تصرف مواجب به این معنی بود که یک یا چند نفر از ورثه سهم دیگر وراثت را نمی‌پرداختند. اغلب شکایت‌ها در این خصوص به مجلس شورای ملی ارسال می‌شد. مجلس شورای ملی به عرایض و شکایاتی که ورثه مواجب‌بگیران ارسال می‌کردند، رسیدگی می‌کرد. این عرایض به کمیسیون بودجه می‌رفت و کمیسیون نیز سؤالاتی از وزارت مالیه درباره مواجب‌بگیر می‌پرسیدند: «ورثه مزبور مواجب دیوانی دارند یا خیر؟ پسرهای چندساله هستند؟ به چه شغل مشغولند؟ دخترهای آن مرحوم داخل زوجیت شده‌اند یا خیر؟ چنانچه داخل شده‌اند، زوج‌های آنها کی و چه کاره است؟»

(ساکما، ۲۴۰/۰۲۱۴۸۵؛ ساکما، ۲۴۰/۵۴۷۶۹). وزارت مالیه از خزانه‌داری کل استعمال می‌گرفت تا اداره وظایف مشخص کند موجب یک متوفی چقدر بوده و برای ورثه چقدر منظور شده است (ساکما، ۲۴۰/۰۴۸۶۷). خزانه‌داری کل هم در پاسخ به وزارت مالیه شرحی از زمان وفات، میزان موجب متوفی، اسامی ورثه و میزان دریافت موجب هر یک را برای وزارتخانه مزبور ارسال می‌کرد (تصویر شماره ۴؛ ساکما، ۲۴۰/۰۴۸۶۷). وزارت مالیه نیز با تهیه صورتی از وراثت تمام اطلاعات خواسته‌شده را برای کمیسیون بودجه ارسال می‌کرد؛ برای مثال، در ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق شخصی به وزارت مالیه شکایت کرد که خواهرش با وجود داشتن شوهر کارمند، موجب موروثی پدرش را می‌گیرد و چیزی به او نمی‌دهد (ساکما، ۲۴۰/۴۱۷۴۲). در نمونه دیگر، در ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق دختر میرزا جوادخان حکیم از برادرانش به علت ندادن سهم موجب موروثی شکایت کرد (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۷۶۷). در نتیجه این نوع شکایات، وزارت مالیه مقرر کرد که از آن تاریخ به بعد هنگام پرداخت موجب، ورقه تعرفه‌ها به اسم تمام ورثه صادر شود و موجب هر یک را به صورت جداگانه پرداخت کنند تا همه به موجب خود برسند (ساکما، ۲۴۰/۱۳۸۴۹).

در ارتباط با همین موضوع، گاهی ورثه تصمیم می‌گرفتند موجب ارثی را با رضایت یکدیگر به شیوه‌ای غیر از آنچه قانون وظایف تعیین کرده بود، میان خود تقسیم و بر اساس آن اسناد پرداخت را تنظیم کنند؛ برای مثال، پس از مرگ امین‌الوزاره در سال ۱۳۲۷ ق یکی از اولاد او به نام میرزا اسمعیل‌خان معتصم‌الملک به دلیل اینکه خود موجب دیوانی داشت، رضایت داد موجب ارثی در وجه اولاد دیگر برقرار شود (ساکما، ۲۴۰/۱۰۱۳۹۹). وزارت مالیه با تنظیم متحدالمالی به همه اداره‌ها دستور داد که موجب براساس قانون وظایف تقسیم شود و وراثت اگر می‌خواهند تغییر و تعدیلی در میزان سهم خود انجام دهند، باید بعد از صدور قبض موجب صورت بگیرد (ساکما، ۲۴۰/۷۷۹۵۳).

۵. نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، پیش از مشروطه، سهم زیادی از بودجه کشور صرف پرداخت مواجیبی می‌شد که بخشی از آن موجب موروثی بود. سازوکار پرداخت این نوع موجب، دستورالعمل

ساده‌ای بود که طبق آن ثلث مواجب ضبط دولت و دوسوم آن مجدداً طی فرمان جدیدی برای ورثه به صورت مادام‌العمر برقرار می‌شد. عواملی چون رعایت نشدن کامل دستورالعمل تحت تأثیر سیاست شاه و صدراعظم، تخلفات عدیده ورثه و صادرکنندگان مواجب و از همه مهم‌تر بار مالی فزاینده برای دولت که روزبه‌روز بیشتر هم می‌شد، باعث شد زمامداران کشور پس از استقرار نظام مشروطیت، دولت مشروطه خیلی زود به فکر تدوین و تصویب قانونی مدون برای این سازوکار مالی باشند. در نتیجه، سازوکار سستی پیشین کنار گذاشته شد و پس از تصویب قانونی با عنوان قانون وظایف، وزارت مالیه نیز برخی اصلاحات اساسی از جمله چاپ تعرفه‌های مواجب را اعمال کرد. در قوانین جدید سعی شده بود با کم‌کردن میزان مواجب معین شده برای ورثه بار مالی کمتری روی دوش دولت قرار گیرد. همچنین، مادام‌العمر بودن مواجب کنار گذاشته شد و طبق قانون وظایف پس از پانزده سال تمام مواجب توسط دولت ضبط می‌شد.

در نهایت این اصلاحات نتوانست آن طور که باید و شاید سازوکار پرداخت مواجب موروثی را سامان دهد. ورشکستگی مالیه منجر به تعویق مداوم پرداخت‌ها و کسر نصف و در مواقعی دوسوم مواجب‌ها شد و این مسائل خود به تحصن و نارضایتی عمومی مواجب‌بگیران انجامید و اثرات مثبت اصلاحات پس از مشروطه را کمرنگ کرد.

کتابنامه

اسناد تاریخی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شناسه سند:

- ۲۳۲/۲۲۵۷ - ۲۳۲/۱۲۶۱ - ۲۳۲/۱۳۰۷ - ۲۳۲/۱۵۵۹ - ۲۳۲/۱۹۵۲ - ۲۴۰/۰۰۲۶۸۱ -
۲۴۰/۰۰۹۶۱۹ - ۲۴۰/۰۱۳۸۴۹ - ۲۴۰/۰۲۱۴۸۵ - ۲۴۰/۰۴۸۶۷ - ۲۴۰/۰۵۷۸۶۷ -
۲۴۰/۱۰۰۷۶۷ - ۲۴۰/۱۰۷۴۸۵ - ۲۴۰/۱۰۷۴۷۵ - ۲۴۰/۱۰۷۴۷۷ - ۲۴۰/۱۰۷۴۷۴ -
۲۴۰/۱۰۷۴۸۱ - ۲۴۰/۱۰۷۴۸۰ - ۲۴۰/۱۰۷۴۷۸ - ۲۴۰/۱۰۰۸۱۶ - ۲۴۰/۱۰۰۸۱۷ -
۲۴۰/۱۰۱۳۹۹ - ۲۴۰/۱۰۷۶۳۷ - ۲۴۰/۱۰۷۶۶۴ - ۲۴۰/۱۰۷۶۶۴ - ۲۴۰/۱۱۱۲۸ -
۲۴۰/۲۱۸۲۱ - ۲۴۰/۲۳۰۷۰ - ۲۴۰/۲۸۸۴۱ - ۲۴۰/۳۰۶۴۴ - ۲۴۰/۳۰۶۴۴

۲۴۰/۳۱۹۳۸ - ۲۴۰/۴۱۳۸۰ - ۲۴۰/۴۱۷۴۲ - ۲۴۰/۴۱۸۶۵ - ۲۴۰/۴۴۹۹۵ - ۲۴۰/۴۵۴۵۹ -
۲۴۰/۴۵۹۰۱ - ۲۴۰/۴۸۹۸۰ - ۲۴۰/۴۹۶۹۸ - ۲۴۰/۵۱۵۹ - ۲۴۰/۵۴۷۶۲ - ۲۴۰/۵۴۷۶۹ -
۲۴۰/۵۵۲۶۴ - ۲۴۰/۵۵۹۴۱ - ۲۴۰/۵۵۹۷۴ - ۲۴۰/۷۵۸۲۷ - ۲۴۰/۷۷۹۵۳ - ۲۴۰/۸۸۵۹ -
۲۴۰/۹۲۵۸۸ - ۲۴۰/۹۷۴۷۵ - ۲۴۰/۹۷۴۷۸ - ۲۴۰/۹۷۴۸۳ - ۲۹۵/۷۳۴۲ - ۲۹۵/۷۳۹۰ -
۲۹۵/۷۴۲۰ - ۲۹۵/۷۹۹۸ - ۲۹۵/۸۱۴۶ - ۲۹۶/۸۳۲۰ - ۳۶۰/۱۰۰۴۷

کتاب

افشار، ایرج (۱۳۸۰). *دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل التواریخ، تصحیح منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان*، تهران: نشر تاریخ ایران.

خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴). *تاریخ قاجار، حقایق الاخبار ناصری*. تصحیح حسین خدیو جم. تهران: زوار.

سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). *مرآت الوقایع مظفری*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.

سعیدی، حوریه (۱۳۸۸). *شاه و جناب آقا: مکاتبات ناصرالدین شاه و میرزایوسف مستوفی الممالک*. تهران: نشر تاریخ ایران.

شوستر، مورگان (۱۳۹۴). *اختناق ایران*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر ماهی.
قانون وظایف، چاپ سربی، ۱۳۲۶ ق، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۵۱۱۸۶.

مخبرالسلطنه هدایت، مهدیقلی (۱۳۸۵). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.
مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، تهران: انتشارات زوار.

مصدق، محمد (۱۳۰۴). *اصول قواعد و قوانین در ممالک خارجه و ایران*. تهران: مطبعه تمدن.

مصدق، محمد (۱۳۶۴). *خاطرات و تاملات دکتر محمد مصدق*. به کوشش ایرج افشار، تهران: محمدعلی علمی.

میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۷۸). *تذکره الملوک*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.


مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، جلسه ۲۳۱

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، جلسه ۲۴۶

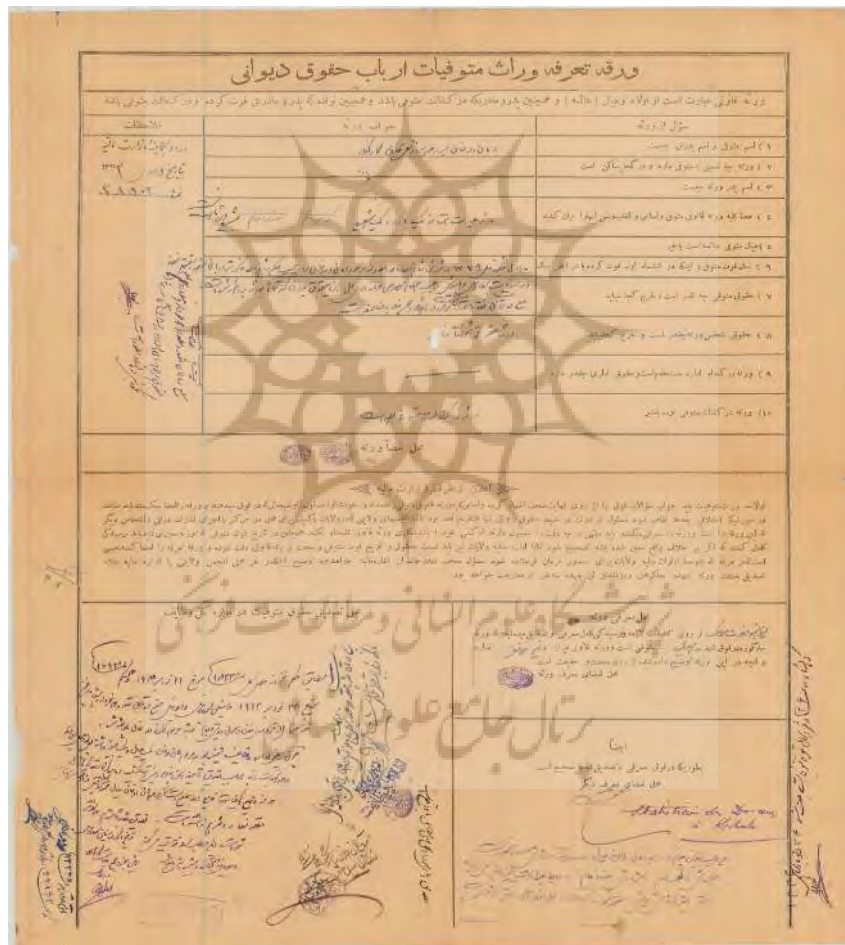
مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، جلسه ۲۴۷

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۳۲۸، جلسه ۸۹

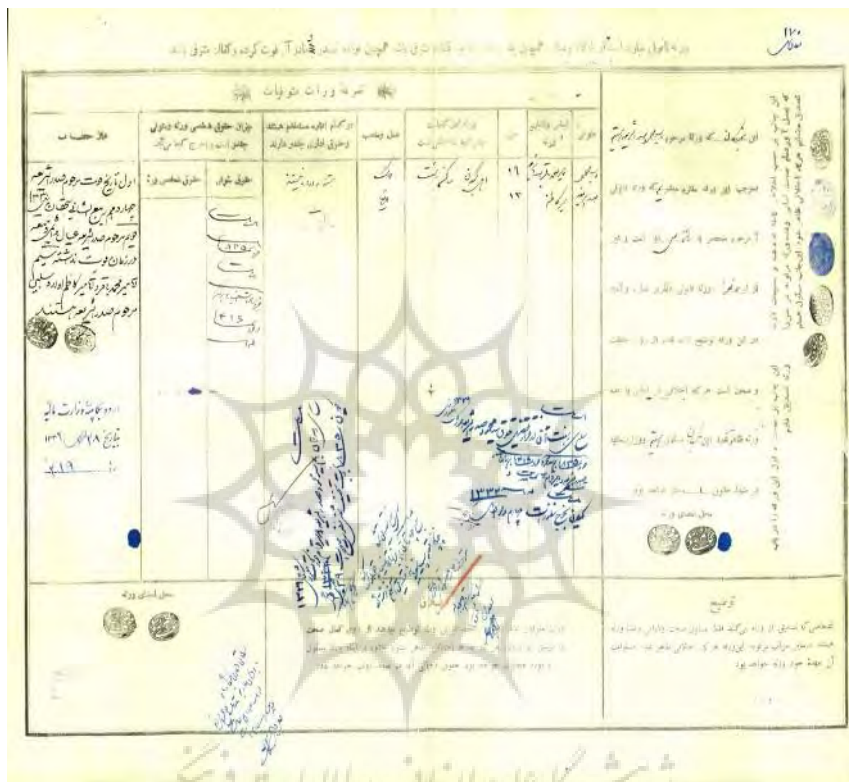


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست‌ها



تصویر شماره ۱: تعرفه حقوق موروثی (ساکما، ۱۳۲۴/۴۵۴۵۹)



تصویر شماره ۱: تعرفه حقوق موروثی که تکمیل آن برای ورثه الزامی بود (ساکما،

۲۴۰/۴۵۴۵۹)

پرتال جامع علوم انسانی



تصویر شماره ۳: فرمان موجب موروثی، پس از مشروطه (ساکما، ۲۴۰/۲۱۸۱۸)

